

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۱۴ نومبر ۲۰۱۷

قابل توجه دگروال صاحب، آقای "خان آقا سعید"

دروشته تان معنون به "قابل توجه خان صاحب قاسم باز و محترم قدرت الله" می توان نوشت کاملاً دقیق و درست نگاشته اید:

"در شرائط موجود کشور ما دچار مشکلات گوناگون است که باید دانشمندان به عوض دامن زدن به گذشته هائی که فعلاً به درد وطن نمی خورند به وضع موجود کشور داخل تفاهم با هم شده تا اگر شود خدمتی گردد به تعالی کشور". هر چند از مدتها بدین سو تصمیم داشتم اندکی راجع به تاریخ نویسی و انگیزه های نگارش تاریخ آنچه را خود بدان باور دارم خدمت دیگران بنگارم و مشغله های روزمره اجازه پرداختن بدان را نمی داد، مگر مطالعه جمله ای که از شما در فوق تذکار یافت و تاجائی که شناخت از شما وجود دارد، می توان نوشت با صداقت و خلوص نیت و به منظور بهروزی مردم افغانستان آن را پیشنهاد نموده اید، وادارم ساخت تا هر چند مختصرافکارم را در زمینه بیان دارم، باشد با انتقاد سالم و سازنده از آن افکار کار مثبتی در زمینه انجام یافته باشد.

از این می گذریم که اکثر آنهایی که اینک دست به تاریخ نویسی زده و می زنند نه تنها از کوچه تاریخ گذر نکرده و عمدتاً مرز ابویس هائی بیشتر نیستند بلکه اساساً به علم بودن تاریخ باور نداشته و حتا تعریف آن را نیز نمی دانند؛ فقط همینقدر یادآور می گردم که امروز تاریخ طفل یتیمی را مانند است که هر شرف باخته ای به منظور آن که قدرتش را بر رخ دیگران بکشد، با سیلی بر رخسارش خود نمائی می نماید و می پردازم به انگیزه های تاریخ نویسی:

تاجائی که من می دانم نه تنها درنگارش تاریخ، بلکه حین مشاهده هر عملی از طرف هر کسی که باشد، می باید نخست از همه متوجه بود تا انگیزه و علت انجام چنان عملی از نظر دورنماند. باید دید وقتی انسانی حرفی می زند و یا عملی انجام می دهد انگیزه و غرض وی از زدن آن حرف و یا انجام آن عمل چیست. بر همین مبنا، اینک که سیلی زدن بر رخسار آن طفل یتیم به مد روز تبدیل شده و حتا آنهایی که سواد خواندن و نوشتن بلد نیستند تا چه رسد به احاطه بر علم تاریخ و قواعد نگارش آن، با تکیه بر فضای باز اما آلوده انترنیتی ده ها و صد ها سایت که برخی از آنها به مانند سایتک استخبارات المان، هدفمندان در جهت پراکنده ساختن مردم افغانستان زیر نامهای شیعه و سنی، هزاره و ازبک، تاجیک و پشتون، فارسی و پشتو، در این اواخر دری و پارسی و اعمار یک دیواری به بلندا و عرض دیوار چین بین آنها و ... از همین بابت امرار حیات می نمایند، دست به قلم می برند، ایجاب می نماید تا در گام نخست مکث کوتاهی به انگیزه های نگارش تاریخ عطف توجه صورت گیرد. مطلبی که در ذیل خواهم کوشید هر چند مختصر بدان بپردازم:

در خطوط کلی خود انگیزه های نگارش، شامل دو بخش می گردد، انگیزه های مثبت خدمت به مردم و انگیزه های منفی انحراف افکار مردم.

در قسمت انگیزه های مثبت، ما و شما همه از همان آغاز صنف چهارم و صنوف بعدی که مضمونی به نام مضمون تاریخ شامل نصاب تعلیمی گردید، خوانده ایم:

* - غرض از مطالعه تاریخ آگاهی به گذشته مردمان یک خطه می باشد.

* - غرض از مطالعه تاریخ پرورش نسل های امروز و آینده در پرتو فرهنگ آن خطه می باشد.

* - غرض از مطالعه تاریخ درس آموزی از اشتباهات گذشته به منظور جلوگیری از تکرار آنها می باشد

* - غرض از مطالعه تاریخ آشنائی حاصل نمودن با دستاورد ها مردم یک منطقه و تکامل آن دستاورد ها می باشد

* - و ...

اگر کبر سن از یادم نبرده باشد و یا هم از شانس بد معلمان تاریخ ما تذکر آن را فراموش ننموده باشند، هیچ به خاطر نمی آورم که معلمی داخل صنف شده باشد و به ما به مثابه متعلمان هوشدار داده باشد:

* - تاریخ بدان خاطر مطالعه می گردد تا با تکیه بر گذشته های دور، کسی بخواهد برای اعمال و سیاست های امروزش حقانیت جست و جو کند- نمونه برجسته در شرایط کنونی اسرائیل-

* - تاریخ بدان خاطر مطالعه و تدریس می گردد تا این و یا آن کشور، بر مبنای برگهائی از آن ضمن خوردن حسرت گذشته های دور، زمینه مغزشوئی نسل های آینده را به خاطر اهداف توسعه طلبانه حاکمیت فراهم بسازند از نمونه های برجسته منطقه ئی "ایران هخامنشی" و "آریانای کبیر"

* - تاریخ بدان خاطر مطالعه و تحقیق می گردد تا به اساس جنایاتی که در گذشته بین این و یا آن کشور صورت گرفته، ایجاد و پرورش نفرت بین نسل های امروزی. نمونه های برجسته آن در مناسبات بین چین و جاپان، المان و بقیه اروپا، روسها و اروپای شرقی و ...

* - و از همه مهمتر مطالعه تاریخ می تواند بدان منظور انجام یابد که انسان امروزی را از توجه به مشکلات و مسایل خودش جدا ساخته، در گام نخست وی را چنان در گذشته ها غرق نماید که اساساً و اصلاً متوجه نگردد که در همین حالا در دور و برش چه می گذرد و به مثابه یک جسم زنده چه عکس العملی می باید مقابل سیرزندگی در مقطع حاضر از خود نشان دهد و احیاناً اگر بخواهد از غرق شدن خود را نجات دهد، در گام دوم بر مبنای همان تاریخ، دشمنان فرضی و خیالی برایش به تصویر بکشد که تمام اراده و توانش را جهت نجات از اسارت مطالعات تاریخی، همان دیو های فرضی به خود مصروف دارد. و این درست همان چیز است که شما آن را نقد نموده اید.

برگردیم به سایتها و سیاست های نشراتی آنها:

سایتک استخبارات المان یا همان "افغان جرمن-آنلاین"، به مثابه ویروسی به مانند "ایدس" که وقتی یک بار در وجود یک انسان خانه کرد، نه تنها به مشکل می توان آن را از بین برد بلکه همیشه خطر آلوده ساختن افراد دیگر را نیز با خود دارد، از همان بدو تأسیس بر اساس تقسیم وظایف استعماری، وظیفه ای که از جانب بادرانش به آنها سپرده شده، تلاش در جهت انحراف افکار نسل جوان از دشواری های حاکمیت استعمار و جیره خوران و بردن آنها به ناکجا آباد هائیس است که فرموده شما مکتب روی آنها هیچ دردی را دوا نمی کند.

به صورت مثال بزرگ ساختن و هزاران صفحه را به بررسی مرگ "میوندوال" اختصاص دادن و به ده ها نویسنده آگاه و نا آگاه را با آن مصروف ساختن، آنهم در شرایطی که اولاً به تعقیب کشته شدن یک فرد که "میوندوال" باشد، حزبی که افرادش متهم به کشتن میوندوال است، به اعتراف "ببرک کارمل" در نخستین سخنرانی اش بعد آوردنش به

کابل، بیش از یک میلیون انسان را به قتل رسانیده است، در شرایطی که به تعقیب آن سوسیال امپریالیزم روس و مزدورانش در قدرت اعم از "ببرک" و "نجیب" طی سالهای بعدی حاکمیت مزدوران شان بیش از یک میلیون انسان دیگر را مقتول و به صدها هزار انسان دیگر را معلول و میلیونها انسان دیگر را آواره قاره های کره زمین نموده است، در شرایطی که بعد از سقوط حاکمیت مزدوران روس، اسلام سیاسی از "گلبدین" و "ربانی- مسعود" گرفته تا "مزاری- سیاف و ملا عمر" جنایاتی را انجام دادند که نه تنها آتیلا و چنگیز انجام نداده بودند، بلکه هرگاه قرار باشد کتابی تحت عنوان "فرهنگ جنایت و شکنجه" تدوین گردد به یقین بیشترین صفحاتش را همان جنایات به خود اختصاص خواهد داد، در شرایطی که امپریالیزم جنایتگستر امریکا از ۱۶ سال بدین سو از زمین و آسمان باران مرگ و نیستی بر روی مردم بی پناه ریخته از استعمال سلاحی آلوده به مواد رادیو اکتیف گرفته تا پرتاب "مادر بمب" هایش دریغ نورزیده است، در شرایطی که "داعش" و "طالب" در جریان یک هفته بیش از ۳۰۰ هموطن ما را به کام مرگ فرستاده اند، و... صدها و هزاران ورق را به منظور روشن ساختن مرگ و یا قتل "میوند وال" چه گره کوری را حل می نماید؟ و یا تمام تلاش خود و پنج تایی دیگر را به افشای جنایات "هاشم جلاد" معطوف داشتن کدام مشکلی از مشکلات مردم ما را می تواند حل نماید؟ آیا به فرض روشن شدن قتل "میوندوال" و حتا به محکمه سپردن قاتلش و تطبیق حکم اعدام در مورد وی، افغانستان از حالت مستعمراتی فعلی اش نجات خواهد یافت؟ آیا رسیدن به نتیجه دلخواه در آن زمینه ها، دست استعمار و ایادی اش را از حیات مردم دربند ما کوتاه خواهد نمود؟ آیا شناخت مردم ما را از سیاست های امپریالیزم در قبال افغانستان ارتقاء خواهد بخشید؟ آیا به مردم کمک خواهد نمود تا متوجه نقش استعمار در پرورش "طالب" و "داعش" گردیده از گسترش نفوذ آنها جلوگیری خواهد کرد؟ آیا به چیز فهمان ما کمک خواهد نمود تا شناخت شان را از "مثالث مرگ"*- ائتلاف علنی جدید امریکا، اسرائیل عربستان سعودی، در خاور میانه در ظاهر علیه جلوگیری از نفوذ روز افزون ایران در منطقه اما در واقعیت امرگام عملی فراخی در جهت تطبیق نقشه خاور میانه بزرگ که در نهایت تجزیه کشور ما نیز بخشی از آن خواهد بود- عمق بیشتر بخشیده نا آگاهانه به جارچی آنها مبدل نگردند؟ و ...

محترم دگروال صاحب، می بینیم که پرداختن به چنان گذشته هائی آنها در چنین مقطعی که بود و نبود کشور ما به وسیله امپریالیزم و ایادی آن زیر سؤال رفته است، هیچ دردی را دوا نمی کند، هیچ غرض و علت دیگری ندارد به غیر از انحراف افکار نسل جوان به گذشته های دور به جای عطف توجه به وضعیت فعلی. با عبارت بیشتر آشنا برای شما، در جوشا جوش مبادله آتش، فیر چند مرمی رسام جهت منحرف ساختن اذهان.

محترم دگروال صاحب، من اطمینان کامل دارم که هرگاه همین اکنون در جنگی رویاروی قرار می داشتید، هیچ گاهی فیر چند مرمی رسام شما را از وارد کردن ضربت به هدف اصلی باز نمی داشت، بیائید در اینجا با شناخت از این که سایتک استخبارات المان وظیفه به کجراه کشانیدن و منحرف ساختن افکار عمومی را از اوضاع کنونی به گذشته ها و باد کردن کاه بیدانه را از طرف امپریالیزم به دوش گرفته است، به جای آن که وقت عزیزتان را به جنگیدن در میدانی که آنها می خواهند ضایع سازید، در آن جایی که خود می خواهید و تجارب تان گواه آن است، به پیش ببرید. این را بدانید تا زمانی که افرادی پیدا شوند که به دنبال بحث های آنها بشتابند، آنها همیشه به مردم فریبی خویش ادامه خواهند داد.

*- به ارتباط "مثالث مرگ" حتماً طی نوشته مستقلی خدمت شما خواهم بود.